

شیعیان افغانستان

حسین عبدلی

www.ketab.ir

تهران، ۱۳۹۱

سرشناسه	: عبدلی، حسین، ۱۳۴۸
عنوان و نام پدیدآور	: شیعیان افغانستان / حسین عبدلی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر مضراب، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۵۶ص: مصور، نقشه، نمودار، عکس.
شابک	: 978-600-92051-4-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: در ع. به انگلیسی: Hussein Abdoli, Shiites of Afghanistan
یادداشت	: واره نامه.
یادداشت	: کتابنامه: ص: [۴۱۱]-۴۲۵.
موضوع	: شیعه -- افغانستان -- تاریخ
موضوع	: اسلام -- افغانستان -- تاریخ
موضوع	: افغانستان -- تاریخ
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ش ۱۸ ع ۲۳۹ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۰۹/۸۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۵۲۴۸



شیعیان افغانستان

حسین عبدلی

طرح جلد: حمیدرضا رحمانی

حروف نگار و صفحه آرا: پوریا محسنی کیا

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

چاپ و صحافی: نجسته

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۰۵۱-۴-۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

تلفن: ۰۹۱۲ ۲۵۸ ۲۶ ۴۴ - ۷۷۲۶۸۰۰۶

کد پستی: ۱۶۴۵۷-۹۸۸۱۱

nashremzrab@yahoo.com

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۹
فصل اول: موقعیت جغرافیایی و ترکیب جمعیتی افغانستان	۲۹
افغانستان و جغرافیای طبیعی آن	۳۱
۱- وجه تسمیه افغانستان	۳۱
۲- جغرافیای طبیعی افغانستان	۳۸
جغرافیای انسانی و اجتماعی افغانستان	۴۳
۱- میزان و توزیع جمعیت	۴۳
۲- تقسیمات کشوری و اداری	۴۴
۳- زبان	۴۴
۴- میزان مواد	۴۶
۵- اقوام و قبایل	۴۶
۶- ادیان و مذاهب	۷۵
۷- پراکندگی قومی شیعیان افغانستان	۷۸
۸- جغرافیای انسانی شیعیان افغانستان	۸۵
 فصل دوم: ورود اسلام و ترویج مذهب تشیع تا به قدرت رسیدن خاندان محمدزایی	 ۸۹
افغانستان قبل از ظهور اسلام	۹۱
کیفیت ورود اسلام و ترویج مذهب تشیع تا فرمانروایی درانی ها	۹۵
وضعیت شیعیان افغانستان در دوره سدوزایی ها	۱۴۲
۱- شیعیان در دوره احمدشاه درانی	۱۴۲
۲- مناسبات تیمورشاه با شیعیان	۱۴۹
۳- زمانداری زمانشاه	۱۵۵
۴- کشتار شیعیان کابل در عهد محمودشاه	۱۶۰
۵- سلطنت شاه شجاع	۱۶۷
۶- سلطنت دوباره محمود و انقراض خاندان سدوزایی	۱۷۰
 فصل سوم: تحولات جامعه شیعی افغانستان از انقراض سدوزایی ها تا کودتای سرخ	 ۱۷۵
وضعیت شیعیان از به قدرت رسیدن محمدزایی ها تا حکومت امیر عبدالرحمن خان	۱۷۷
امیر عبدالرحمن خان و قتل عام شیعیان	۲۰۷
تحولات جامعه شیعی پس از عبدالرحمن خان تا قدرت یابی خاندان آل یحیی	۲۳۸

۲۵۶	مناسبات خاندان آل یحیی با شیعیان
۲۸۵	فصل چهارم: بررسی وضعیت اجتماعی - فرهنگی شیعیان افغانستان
۲۸۷	سیاست و اجتماع
۲۸۷	۱- هرم قدرت در جوامع روستایی
۲۹۳	۲- جوامع شهری شیعه و سیاست
۲۹۴	مذهب و اجتماع
۲۹۷	۱- شخصیت های مذهبی و سلسله مراتب ایشان
۳۱۸	۲- اعتقادات و شعائر مذهبی
۳۳۲	فرهنگ و اجتماع
۳۳۳	۱- زبان
۳۳۷	۲- آداب و رسوم
۳۴۱	۳- لباس و پوشش
۳۴۵	۴- علوم و معارف
۳۴۹	فصل پنجم: اوضاع اقتصادی شیعیان افغانستان
۳۵۱	اقتصاد روستایی
۳۵۲	۱- زراعت
۳۵۵	۲- دامداری
۳۵۶	۳- صنعت و تجارت
۳۶۰	اقتصاد شهری
۳۶۰	۱- مشاغل دیوانی
۳۶۲	۲- صنعتگران و پیشه وران
۳۶۳	نتیجه گیری
۳۶۹	پی نوشت ها
۳۸۳	پیوست ها
۳۸۵	اصطلاحات افغانی
۳۸۷	نمودارها
۳۹۱	نقشه ها
۳۹۵	تصاویر
۴۱۱	منابع و مأخذ
۴۲۷	نمایه

پیشگفتار

حدود دو سده پیش از این، مرزهای جغرافیایی ایران، سرزمین‌هایی را دربرمی‌گرفت که امروزه هر یک از آنها به کشور جدیدی بدل شده‌اند. شهرهای کهن شرق ایران که بر طبق معاهده پاریس از موطن اصلی خود جدا شدند، در سایه تلاش‌های استعماری انگلیس، کشور افغانستان را تشکیل دادند. پیوندهای عمیق و ریشه‌دار میان دو ملت و دو سرزمین ایران و افغانستان - که تا چندی قبل یکی بودند - همواره در مناسبات سیاسی و اقتصادی تأثیر داشته است. خصوصاً قرار گرفتن مهم‌ترین شهر زیارتی ایران در استان خراسان و هم‌جواری این استان با شهرهای افغانستان، پیوند مضاعفی میان شیعیان دو دیار ایجاد کرده است. چرا که مشهدالرضا همان‌قدر برای شیعیان ایران، عزیز و مقدس است که برای هم‌کیشان آنها در افغانستان گرامی و پراراج. توجه به این اشتراکات فرهنگی و پیوندهای قدیمی و نیز نقش تعیین‌کننده آنها در مناسبات جدید، لزوم پرداختن به مسایل اجتماعی افغانستان، به‌ویژه اوضاع جامعه شیعی این کشور را دوچندان می‌کند.

زبان و ادبیات قریب به اتفاق شیعیان افغانستان فارسی است. مذهب و ارزش‌های مذهبی در زندگی فردی و اجتماعی ایشان نفوذ قابل توجهی دارد. شیعیان در تحولات سیاسی - اجتماعی این کشور نقشی اساسی

داشته‌اند و دوشادوش سایر هموطنان خود در شرایط سخت ایستادگی کرده‌اند. با این حال منابع تاریخی اخبار و اطلاعات دقیقی از نقش آن‌ها در این تحولات ارائه نمی‌دهند. افزون‌نمایی نقش پشتون‌های سنی که پس از قتل نادرشاه افشار و قدرت‌یابی احمدخان ابدالی در ۱۱۶۰ ق/ ۱۷۴۷ م بر این مملکت فرمان را کردند و کم‌نمایی نقش شیعیان در تحولات افغانستان در عالم آمار و منابع، علل درونی و بیرونی متفاوتی دارد. تحقیق فوق درصدد ارائه این دلایل و تحلیلی پیرامون آن‌ها، همچنین نشان دادن نقش واقعی شیعیان در تحولات افغانستان می‌باشد. به علاوه این تحقیق به توصیف و تشریح حیات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی شیعیان از قدرت‌یابی احمدخان درانی تا کودتای سرخ (۱۱۲۶-۱۲۵۷ ش/ ۱۷۴۷-۱۹۷۸ م) می‌پردازد.

جهت نیل به اهداف فوق از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و توصیفی بهره گرفته شده است. در این روش بیشتر از منابع فارسی، اعم از منابع ایرانی و افغانی، همچنین از ترجمه متون مورخین افغان و محققین اروپایی استفاده گردید. طبعاً بخشی از این منابع شامل خاطرات، سفرنامه‌ها و گزارش مأمورین و سفرایی می‌شود که لااقل مدتی از عمر خود را در افغانستان گذرانده‌اند. به دلیل پاره‌ای از ناسامانی‌هایی که به دنبال تحولات اخیر در افغانستان به وجود آمده است امکان استفاده از تحقیقات میدانی و بهره‌گیری از کتابخانه‌های این کشور میسر نشد. امید است با بازگشت آرامش و امنیت کامل به این کشور مصیبت‌زده، امکان چنین تحقیقاتی فراهم شود تا به غنا و محتوای این اثر افزوده گردد.

بر اساس آنچه گفته شد، فرضیات این پژوهش به این قرارند:

- ۱- بین حاکمیت پشتون‌ها و موقعیت شیعیان رابطه وجود دارد.
- ۲- شیعیان به عنوان اقلیتی خارج از حاکمیت سیاسی بر مناسبات قدرت در جامعه افغانستان تأثیرگذار بوده‌اند.

۳- تحریرات خارجی بر رقابت‌ها و اختلافات شیعیان با جامعه غیرشیعی مؤثر بوده است.

امید است در فرجام این پژوهش، اهداف زیر تا حدودی محقق گردد:

۱- بررسی میزان جمعیت و پراکندگی جغرافیایی شیعیان افغانستان.
۲- تبیین و تحلیل نقش شیعیان در تحولات سیاسی افغانستان در محدوده زمانی یاد شده.

۳- آشنایی و بررسی نقش شیعیان در جنبش‌های اجتماعی و اصلاحی افغانستان.

۴- تبیین دلایل فشار از طرف حُکام بر شیعیان و محدود کردن آنان.

پیشینه موضوع

از آنجا که افغانستان از کشورهای محروم و عقب‌مانده جهان می‌باشد، صنعت چاپ و نشر در آن توسعه چندانی پیدا نکرده است. انتشارات افغانستان اطلاعات تاریخی محدودی در اختیار خواننده قرار می‌دهد. شیعیان افغانستان از این نظر در کم‌ترین حد توجه قرار داشته‌اند و فشار حاکمان پشتون مانع از آن می‌شد تا ایشان به ثبت و تقدیر قایم کشور خود بپردازند. همچنین تا حال کتب و مقالات اندکی آن هم بیشتر توسط نویسندگان افغانی غیرمتخصص به شرح حال آن‌ها پرداخته است که اکثر این آثار به لحاظ در پیش گرفتن روش غیرعلمی و ارائه اطلاعات غلط و گاه آمیخته به افسانه، قابل اعتنا نمی‌باشند.

در بین آثاری که جسته گریخته اخبار و اطلاعاتی از شیعیان افغانستان در اختیار ما می‌گذارند می‌توان به کتب «سراج‌التواریخ» اثر ملافیض محمد کاتب هزاره، «عین‌الوقایع» نوشته محمدیوسف ریاضی هروی

و «افغانان یا گزارش سلطنت کابل» که حاصل دیده‌ها و شنیده‌های مونت استوارت الفنتون، مأمور اعزامی انگلستان به دربار شاه شجاع است اشاره کرد. در میان تحقیقات جدید نیز می‌توان از آثار قابل توجهی مانند «تاریخ ملی هزاره‌ها» از ل. تیمور خانوف، «هزاره‌های افغانستان» اثر سید عسکر موسوی، «پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها» و «صحنه‌های خونینی از تاریخ تشیع افغانستان» از حسینعلی یزدانی (حاج کاظم) نام برد. نکته قابل توجه این که آثار فوق به طور عمده به بررسی تاریخ شیعیان هزاره آن هم در یک منطقه و یا در یک محدوده زمانی مشخص می‌پردازند و از آن‌ها درباره اخبار سایر اقوام شیعه نمی‌توان اطلاعات مفیدی کسب کرد.

سازماندهی پژوهش

این اثر شامل پنج فصل و یک نتیجه‌گیری است. عناوین و محتوای فصول پنجگانه به طور مختصر عبارتند از:

فصل اول: عنوان این فصل «موقعیت جغرافیایی و ترکیب جمعیتی افغانستان» می‌باشد. فصل به دو بخش و هر بخش به چند زیرمجموعه تقسیم می‌شود. در بخش اول به جغرافیای طبیعی و در بخش دوم به جغرافیای انسانی و اجتماعی افغانستان پرداخته شده است. در بخش اخیر به میزان و توزیع جمعیت، تقسیمات کشوری و اداری، زبان، میزان سواد، اقوام و قبیله و ادیان و مذاهب افغانستان اشاره شده و پراکندگی قومی و جغرافیای انسانی شیعیان نیز در همین بخش مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم: نحوه ورود اسلام به نواحی مختلف خراسان و سابقه حضور مذهب شیعه در افغانستان در این فصل گنجانیده شده است. در سومین و آخرین بخش از این فصل به قدرت‌یابی احمد خان ابدالی و وضعیت شیعیان افغانستان در دوره فرمانروایی وی و فرزندان او اشاره گردیده است.

فصل سوم: در این فصل تحولات جامعه شیعی افغانستان از انقراض سلسله سدوزایی‌ها (جانشینان احمد خان ابدالی) تا کودتای سرخ و قدرت‌یابی کمونیست‌ها بررسی می‌شود. این دوره با ظلم و ستم و رفتار تبعیض‌آمیز حکومت نسبت به اقلیت شیعه همراه است. شرح قتل عام شیعیان هزاره توسط عبدالرحمن خان در این فصل آمده است.

فصل چهارم: در فصل چهارم، وضعیت اجتماعی - فرهنگی شیعیان افغانستان در سه بخش سیاست، مذهب و فرهنگ مورد توجه واقع شد. فصل پنجم: برای بررسی اوضاع اقتصادی شیعیان افغانستان، اقتصاد آن‌ها در دو بخش روستایی و شهری مورد مطالعه قرار گرفت. اقتصاد روستایی شیعیان شامل زراعت، دامداری، صنعت و تجارت می‌شود. همچنین مشاغل دیوانی و صنعت و پیشدوری، پایه‌های اصلی اقتصاد شیعیان شهرنشین را تشکیل می‌دهد.

بررسی منابع

نزدیک‌ترین و اطمینان‌بخش‌ترین راه برای بررسی رویدادهای تاریخی یک دوره، مطالعه نقادانه متون و منابعی است که از آن دوره برجای مانده است اما رهیافت‌هایی که از تحقیقات جدید نزدیک‌تر به دست می‌آید، زوایای تاریک و پنهانی را برای ما روشن و دست‌یافتنی می‌سازد که بر این اساس پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از منابع تاریخی و تحقیقات جدید فراهم آمده است.

منابع تاریخی

برخی از منابع تاریخی این پژوهش برحسب اهمیت و استفاده آن‌ها در این نوشتار عبارتند از:

عین الوقایع: این اثر که بخشی از مجموعه «بحرال فوائد» یا «کلیات ریاضی» می‌باشد به قلم محمدیوسف ریاضی هروی (۱۲۹۰-۱۳۳۰ ق) است.

عین الوقایع بخشی از تاریخ افغانستان را دربرمی گیرد که در آن، حوادث این کشور از سال ۱۲۰۷ ق (مرگ تیمورشاه) تا ۱۳۲۴ ق (دروۀ حبیب الله خان) مورد بررسی قرار گرفته است. ریاضی اثر خود را با ذکر احوال احمدشاه درانی و فرزندش تیمورشاه آغاز می کند، سپس به صورت سالشمار به وقایع و حوادث افغانستان خصوصاً در سال های مورد اشاره نظر می افکند. مؤلف از ابدالی های هرات بوده که به همراه پدرش، محمد اکبر، مدت ها در مشاغل دیوانی از جمله مسئولیت رسیدگی به امور هزاره ها در دربار هرات خدمت کرده است. خانواده وی به سبب حمایت از فرزندان امیر شیرعلی خان و در جریان جنگ های هرات در سال ۱۳۰۹ ق مورد سوءظن واقع شده، مجبور به ترک وطن می گردند. ریاضی اثر خود را در ایران و خارج از قلمروی استعماری بریتانیا و دولت افغانستان به نگارش درمی آورد بنابراین نوشتار وی علاوه بر در اختیار گذاشتن اطلاعات سودمند درباره هزاره های شیعه، از هرگونه سانسور و در عین حال تملق گویی نویسندگان درباری عاری است. ریاضی بسیاری از حوادث از جمله رویدادهای هرات را به چشم دیده و به ثبت و ضبط آن ها پرداخته است و چنین می نماید که به اسناد و گزارش های وقایع دسترسی داشته است. ثبت و بیان حوادث مربوط به اقوام، قبایل و مذاهب مختلف از جمله اخبار شیعیان افغانستان از ویژگی های اثر وی می باشد.

عین الوقایع که در سال ۱۳۶۹ ش به کوشش محمد آصف فکرت هروی و به همت ایرج افشار به طبع رسیده، مرجعی است که اطلاعات فراوانی مربوط به ایران و به خصوص خراسان در اختیار خوانندگان قرار می دهد. در این پژوهش از بخش های مختلف این کتاب، به ویژه از حوادث تأثیرگذار بر جامعه شیعی در دوران فرمانروایی شاه محمود، دوست محمد خان و امیر عبدالرحمن خان استفاده شده است.

افغانان (جای، فرهنگ، نژاد): نام اصلی کتاب «گزارش سلطنت کابل» است که به قلم مونت استوارت الفنتون سفیر اعزامی بریتانیا به دربار شاه شجاع در سال ۱۲۲۳ ق/ ۱۸۰۸ م می‌باشد. این تألیف که در پنج کتاب تقسیم‌بندی شده، حاصل تحقیقات، دیده‌ها و شنیده‌های الفنتون درباره تاریخ، فرهنگ و نژاد مردم افغانستان می‌باشد اما از آنجا که هدف مؤلف پی بردن به خصوصیات قبایل پشتون بوده، به دیگر اقوام و قبایل اهمیت کمتری داده شده است. با این وجود کتاب مطالب مهمی راجع به اقوام هزاره و فارسی‌زبانان افغانستان و آداب و رسوم آنان دارد. همچنین بعضی از عقاید شیعی و اختلافات مذهبی شیعیان با اکثریت سنی مذهب مورد بررسی قرار گرفته و به زمینه‌های بروز درگیری‌های دیرپا بین پیروان این دو فرقه اشاره شده است.

خواننده کتاب افغانان از مطالعه موضوعاتی که با ایرانیان مرتبط است به وضوح می‌تواند به ایرانی‌ستیزی الفنتون پی ببرد. چنین به نظر می‌رسد که نویسنده آگاهانه و عمدانه در پی افشاندن بذر دشمنی با ایرانی در میان مردمان مناطق همجوار است. علت این نکته معلوم است زیرا در این زمان ایران با فرانسه یعنی رقیب انگلستان روابطی کاملاً دوستانه برقرار کرده و پادشاه قجرها - فتحعلی شاه - شیفته وعده و وعیدهای ناپلئون گردیده است. مسلماً این مسأله منافع بریتانیای کبیر و کمپانی هند شرقی را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد. بنابراین در این مورد و سایر موارد از جمله داوری نویسنده راجع به شخصیت‌ها و صفات ایشان و یا ذکر حسن و قبح پاره‌ای از مسایل مربوط به اقوام باید به نیت و مقاصد وی از تألیف کتاب و جغرافیای زمانی و مکانی نوشته‌هایش توجه کافی مبذول داشت.

در اهمیت کتاب نیز می‌توان گفت که با وجود گذشت دو سده از تألیف آن، همچنان در صدر مآخذ و مراجع پژوهش‌های دائرة المعارفی و مردم‌شناسی افغانستان قرار دارد.

تاریخ درانیان: این اثر یکی از مهم‌ترین منابع شناخت تاریخ درانیان محسوب می‌شود. برخی از فهرست‌نویسان نام این کتاب را «تاریخ احمدشاه درانی» ضبط کرده‌اند اما این اثر که احتمالاً از روی متن «واقعات درانی عبدالرحمان» توسط سید حسین شیرازی ترجمه و مطالبی نیز بدان افزوده شده، علاوه بر تاریخ احمدشاه درانی به بیان حوادث و وقایع جانشینان وی نیز پرداخته است. در واقع مطالب کتاب شامل تاریخ احمدشاه درانی تا آخرین فرمانروای طایفه ابدالی یعنی شاه شجاع می‌باشد. بدین منظور مصحح اثر، میرهاشم محدث، نام تاریخ درانیان را بر آن نهاده است.

تاریخ درانیان علاوه بر انعکاس برخی اخبار و اطلاعات سودمند درباره شیعیان، به بیان علل آزادی نسبی پیروان این مذهب در دوره‌هایی از فرمانروایی درانیان و دلایل به کارگیری سپاهیان قزلباش و هزاره شیعه در قشون دولتی توسط حُکام درانی می‌پردازد.

تاریخ وقایع و سوانح افغانستان: این کتاب که حاوی اطلاعات مفیدی درباره افغانستان تحت سلطه سدوزایی‌هاست به قلم شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، پنجاه و چهارمین فرزند فتحعلی‌شاه و رئیس دارالقشون و وزیر عصر ناصری است. کتاب که اول‌بار در سال ۱۲۷۳ ق - یعنی هشتاد و یک سال تألیف - و برای بار دوم در سال ۱۳۶۵ ش و به تصحیح میرهاشم محدث در تهران به چاپ رسیده است علاوه بر مطالب یاد شده، حاوی اخباری پیرامون حکمرانی دوست‌محمدخان، جدایی هرات از ایران و استقلال افغانستان می‌باشد.

در این پژوهش از مطالب مختلف کتاب از جمله واقعه شیعه کشی در هرات در عهد زمان شاه و نزاع بین دو فرقه شیعه و سنی در زمان حکمرانی محمود شاه استفاده شده است.

سراج التواریخ: سراج التواریخ به قلم علامه فیض محمد کاتب هزاره (۱۲۷۹-۱۳۴۰ ق) وقایع نگار شیعه مذهب دربار امیر حبیب الله خان می باشد. وی نام اثر خود را از لقب امیر حبیب الله - سراج الملک والدین - اخذ کرده است.

تعداد مجلدات کتاب ظاهراً پنج جلد بوده که در حال حاضر دو جلد آخر آن مفقود است. سراج التواریخ که با استناد به عهدنامه ها، فرامین رسمی و اسناد و مدارک موجود در دارالانشاء دربار و آرشیو دولتی به رشته تحریر در آمده، از صحت و اعتبار فراوانی برخوردار است و این امر موجب شده تا دیگر مورخان از مطالب این کتاب به عنوان یک مرجع قابل اعتماد استفاده نمایند.

سراج التواریخ با تعیین حدود افغانستان و وجه تسمیه آن، ذکر بلاد معروف و ولایات مشهور، آب و هوا و نام طوایف افغان و ترکستان آغاز می شود. سپس به شرح سلطنت احمد شاه درانی تا سال های پایانی حکومت امیر عبدالرحمن خان می پردازد.

جلد اول کتاب، وقایع دروۀ حکمرانی شاهان سمرقانی و جلد دوم، حوادث دوران زمامداری دودمان محمدزایی را از ابتدای سال ۱۲۹۸ ق در برمی گیرد. جلد سوم که به دو بخش تقسیم می شود بزرگترین و ارزشمندترین بخش کتاب سراج التواریخ است که به شرح وقایع و حوادث خونبار دوران فرمانروایی امیر عبدالرحمن خان اختصاص دارد. مؤلف در پس پرده تعارفات و الفاظ و عبارات تصنعی و گاه تمجید و تکریم از امیر و

درباریان، با مهارتی خاص به افشای جنایات و ظلم و تعدی عمال دولتی نسبت به مردم بی گناه پرداخته، از رشوه خواری و فساد مأمورین، عوامل ایجاد اختلافات قومی و مذهبی و دست نشاندگی امیر و خاندان حکومت به قدرت های بیگانه سخن به میان آورده است.

چنانچه مشهور است مؤلف در جلد چهارم و پنجم کتاب درصدد اثبات وابستگی خاندان سلطنت به انگلیسی ها برآمده است. به همین سبب، امان الله خان نسبت به جمع آوری و سوزاندن همه مجلدات چاپ شده فرمان داد. عده ای نیز معتقدند که این مجلدات به دستور بچه سقا و یا محمد نادر خان معدوم گردیده است.

مختصر المتعول در تاریخ هزاره های مغول، مؤلف این اثر محمد افضل بن وطن داد زابلی مغولی معروف به اورزگانی (۱۲۹۰-۱۳۵۰ ق) است. مقدمه کتاب مشتمل است بر ذکر خداوند و درود و صلوات بر محمد (ص) و آل طاهرینش؛ سپس نویسنده انگیزه خود از نگارش کتاب را چنین بیان می کند: «ذره بی مقدار، محب اهل بیت اطهار، محمد افضل بن وطن داد زابلی مغولی که در آن اوان که در دارالقائه نجف اشرف مشغول به مطالعه کتب تواریخ و جغرافیا بودم، بعضی از هموطنان خواهش نمودند که تاریخ و انساب مردمان هزاره زابل را آنچه موافق تواریخ باشد بنویسم. بنابر اجابت حاجت برادران خود مشغول به تألیف تاریخ و انساب ایشان شدم».

چنانکه از نام نویسنده و انگیزه وی در باب نگارش کتاب هویدا است، نگارنده از هزاره های زابل افغانستان بوده و در پی تبارشناسی این قوم که به زعم خویش از نژاد ترک - مغول می باشند برآمده است. بر همین اساس کتاب به دو بخش منقسم است: بخش اول؛ از زمان آدم ثانی یعنی حضرت نوح (ع) و اولادش تا فرمانروایی امیر تیمور گورگانی را دربرمی گیرد. این

بخش به هزاره‌ها و انساب آن‌ها می‌پردازد و مؤلف معتقد است که نژاد زرد از نسل یافت پسر نوح^(۴) می‌باشد و هزاره‌ها از نژاد این مردمانند. سپس به شاخه‌ها و تیره‌های این قوم و تقسیمات ایشان و حوادث و اخبار مرتبط با آن‌ها به صورت سالشمار تا حکومت ترکان می‌پردازد. بخش دوم؛ تقسیم‌بندی منطقه هزاره‌جات و نحوه ورود اسلام و گرویدن آن‌ها به آیین تشیع را مورد توجه قرار داده است. مؤلف معتقد است که هزاره‌ها از زمان امام علی^(۵) به مذهب شیعه متمایل شده و هیچگاه از اعتقادات خود دست برنداشته‌اند. بعد از این مطالب به شرح احوال سلاطین غور و ملوک دهلی و بیان وضعیت شیعیان در این ادوار اشاراتی دارد. اما مهم‌ترین فصول این بخش به ذکر وقایع شیعیان در عصر امیر عبدالرحمن خان اختصاص دارد چرا که محمدافضل در این دوره می‌زیسته و به سبب رهبری قیام خونین سه ساله شیعیان منطقه زابل، از نزدیک شاهد نسل‌کشی شیعیان و بدسلوکی حکام با ایشان بوده است. وی ضمن بیان دلایل سرکوب شیعیان هزاره به تحلیل قیام هزاره‌ها و سپس شکست ایشان می‌پردازد. در این تحقیق بیشتر از فصول پایانی کتاب مختصرالمنقول استفاده شده است.

سفرنامه و خاطرات امیر عبدالرحمن خان پادشاه افغانستان: این کتاب که با عنوان «تاج التواریخ» معروف است منسوب به امیر عبدالرحمن خان می‌باشد که به دو بخش «سفرنامه و خاطرات امیر عبدالرحمن خان» و «تاریخ افغانستان از ۱۷۴۷ الی ۱۹۰۰ م» تقسیم می‌شود. در بخش نخست، امیر عبدالرحمن خان به شرح حال، خاطرات و ذکر حوادث و وقایعی می‌پردازد که قبل و بعد از قدرت‌یابی با آن‌ها مواجه بوده است. به عنوان مثال حجم قابل توجهی از این قسمت به شرح مبارزات و درگیری‌های وی با امیر شیرعلی خان و فرزندان او، همچنین جنگ با شنواری‌ها، ترک‌ها، هزاره‌ها و کافرهای شرق و نحوه

اسلام آوردن ایشان اختصاص دارد. از مطالعه قسمت‌های مربوط به هزاره‌ها به سیاست تفرقه‌افکنی امیر در بین اقوام هزاره، اخذ فتوا از علمای سنی مذهب مبنی بر کافر قلمداد کردن و مباح دانستن خون شیعیان و نحوه بسیج نیروها برای درهم شکستن مقاومت هزاره‌جات پی می‌بریم.

بخش دوم شامل مطالبی درباره تاریخ افغانستان، اقدامات امیر در جهت توسعه صنعت و تجارت، روابط خارجی و چشم‌انداز آینده افغانستان می‌باشد. مورخین افغانستان از جمله فیض محمد کاتب هزاره معتقدند که این بخش به قلم عبدالرحمن خان نمی‌باشد بلکه توسط منشی وی، سلطان محمد، نگارش یافته ولی مطالب به تأیید امیر رسیده است.

بخش اول در ۱۲ فصل و بخش دوم در ۱۰ فصل تنظیم شده است. برگردان آن از زبان انگلیسی به فارسی توسط غلام مرتضی خان قندهاری صورت گرفته که بسیار روان می‌باشد.

از دیگر کتبی که ما را در فهم موقعیت سیاسی - اجتماعی شیعیان افغانستان پس از دوره عبدالرحمن خان یاری می‌رساند می‌توان به کتاب «خاطرات سیاسی و اجتماعی» نوشته عبدالحسین محمود انصاری اشاره کرد. وی مدتی در آن دیار به عنوان سفیر کبیر ایران مشغول خدمت بوده و در ترسیم جو ضد ایرانی و ضد شیعی افغانستان و تهییج عامه بر ضد ایشان توسط حکومت‌های وقت نقش به‌سزایی داشت.

کتاب «کرسی‌نشینان کابل» به شرح حال دولتمردان افغانستان در دوران امیر امان‌الله خان می‌پردازد. این کتاب که به قلم سیدمهدی فرخ سفیر ایران در افغانستان در زمان امانی نگاشته شده، حاوی مجموعه‌ای از اسامی رجال و طبقات ذی نفوذ افغانستان و عقاید سیاسی و مذهبی، خصوصیات اخلاقی و بیوگرافی آنان می‌باشد. مؤلف در مورد هر یک از رجال به بیان مخالفت یا

موافقت ایشان با جماعت شیعه می‌پردازد که البته نباید قضاوت‌های او را بدون نقد و بررسی، امری قطعی تلقی نمود. از این نویسنده کتاب دیگری تحت عنوان «تاریخ سیاسی افغانستان» با موضوعاتی نظیر موقعیت جغرافیایی افغانستان، سابقه تاریخی آن، نام اقوام و طوایف و معرفی طبقات شهری و روستایی و... به چاپ رسیده است. همچنین در این کتاب، تاریخ افغانستان جدید از به قدرت رسیدن احمدخان ابدالی تا روی کار آمدن محمد ظاهرشاه بررسی شده است.

تحقیقات جدید

جنگ با ارتش شوروی سابق و چند دهه درگیری‌های داخلی، افغانستان را به کشوری بلادیده و مصیبت‌زده مبدل ساخته است. اگر این مسأله را در ادامه فقر و عقب‌ماندگی این سرزمین کوهستانی و محاط در خشکی در نظر آوریم، به عمق محرومیت آن پی می‌بریم. افغان‌ها از زمان قدرت‌یابی نسبت به حضور بیگانگان خصوصاً دول قدرتمند در سرزمین خویش بدبین بوده‌اند. بسته بودن درهای کشور بر روی جهان خارج باعث شد تا حکام مستبد افغان با آسودگی خیال و به دور از هر نوع اعتراض خارجی به سیاست پشتونی کردن افغانستان و تصفیه نژادی ساکنین آن بپردازند. ایشان برای از بین بردن آثار جاذبات خویش از ثبت و ضبط حوادث و وقایع ممانعت به عمل آورده، به جعل و دگرگون ساختن واقعیات پرداختند.

با ترسیم این فضا می‌توان به دشواری امر تحقیق و پژوهش در تاریخ افغانستان پی برد. خال اگر بر همه این مسائل، فقدان اسناد طبقه‌بندی شده را بیفزاییم، سختی کار صدچندان می‌نماید. صنعت چاپ در افغانستان چندان

پیشرفت نکرده بنابراین از روزنامه‌ها و مجلات متعدد و کتب متنوع خبری نیست. کتابخانه‌ها، مراکز پژوهشی و تحقیقاتی و بایگانی اسناد و مدارک توسعه نیافته و عدم امنیت مانع تحقیقات میدانی است. پس به ناچار برای پی بردن به پیشینه این کشور علاوه بر کنکاش در منابع محدود تاریخی باید به واریسی تحقیقات جدید نیز روی خوش نشان داد. تحقیقات جدید خود بر دو دسته‌اند: نخست، پژوهش‌هایی که توسط محققین افغانستان صورت گرفته و دیگر، منابعی که به وسیله پژوهشگران خارجی و علاقه‌مندان به امور افغانستان فراهم آمده است.

تکیه بر تحقیقات جدید در بررسی موقعیت شیعیان افغانستان خالی از اشکال نیست زیرا اولاً این منابع علاوه بر نداشتن متدولوژی علمی، بیشتر به موضوعات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی افغانستان پس از برقراری نظام جمهوری پرداخته‌اند. ثانیاً محققان خارجی و نویسندگان سنی مذهب افغان کمتر به مسائل جامعه شیعی توجه نموده‌اند و پژوهشگران شیعه افغانستان نیز در تحلیل اوضاع از اعمال تعصب خودداری نورزیده، به ارائه اخبار گزینشی دست یازیده‌اند.

شاید در بین تمامی آثار جدیدی که در این پژوهش به منظور بررسی تحولات جامعه شیعی افغانستان مورد استفاده قرار گرفته است، کتاب «هزاره‌های افغانستان» نوشته سید عسکر موسوی از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. این اثر با بهره‌گیری از کتب، مقالات، اسناد و مدارک، تحقیقات میدانی و مصاحبه‌های متعدد فراهم شده است. جمع‌آوری و تنظیم مطالب به روش علمی است اما چنانکه از نام و موضوع کتاب برمی‌آید مؤلف به تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و زندگی سیاسی هزاره‌های افغانستان توجه نموده و از ارائه اطلاعات درباره سایر اقوام شیعه پرهیز کرده است. همچنین نویسنده

برای اثبات بعضی از فرضیات خود گاه به دستکاری مطالب برگرفته از منابع تاریخی می‌پردازد. مثلاً برای اثبات قدمت گرویدن هزاره‌ها به آیین تشیع از قول نویسنده تاریخ عالم‌آرای عباسی می‌نویسد: «هزاره‌ها قبل از شاه عباس شیعه بودند. دو یا سه هزار سرباز هزاره، تحت فرمان دین محمدخان ازبک در مقابل لشکر شاه عباس جنگیدند.» در حالی که خواننده با رجوع به کتاب عالم‌آرای عباسی متوجه می‌شود که عبارت «هزاره‌ها قبل از زمان شاه عباس شیعه بودند» در متن اصلی موجود نیست و صورت درست عبارت چنین است که: «دین محمدخان به نوعی دل در سلطنت خراسان بسته که آسان دست از آن بر نمی‌دارد و حالا دوازده هزار اوزبک جرار و دوسه هزار از هزارجات قبائل بر سر او هستند.»

کتاب «هزاره‌های افغانستان» در ۹ فصل تنظیم شده و دارای مقدمه و نتیجه‌گیری است. برگردان این اثر از انگلیسی به فارسی بر عهده اسدالله شفاعی بوده است.

کتاب «جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان» تألیف سید محمدحسین فرهنگ به بررسی وضعیت شیعیان این سرزمین بر اساس چارچوب‌های نظری می‌پردازد. در این اثر ضمن ارائه کلیاتی درباره تاریخ افغانستان و نحوه پیدایش آیین تشیع در آن، به موضوعاتی نظیر جغرافیای انسانی، جمعیت‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان بر می‌خوریم. طوایف مختلف، آداب و رسوم، فرهنگ و رجال شیعه، همچنین سیاست‌های ضدشیعی بعضی از حُکام از موضوعات فرعی کتابند که مورد کنکاش قرار گرفته‌اند.

... از نقاط ضعف این اثر می‌توان به عبور سریع نگارنده از بررسی مباحث اشاره کرد. مثلاً در مورد رجال شیعه به معرفی فقط چند نفر، آن هم به صورت ناقص بسنده شده است.

کتاب «زمینه و پیشینه جنبش اصلاحی در افغانستان» اثر عبدالمجید ناصری داوودی، نقش شیعیان را در جنبش‌ها و حرکت‌های اصلاحی افغانستان مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پژوهش از قسمت‌های مختلف این کتاب از جمله از تحلیل‌های آن، که گاه طولانی و خسته‌کننده می‌باشد، استفاده گردیده است.

کتاب سه جلدی «مشاهیر تشیع در افغانستان» اثر دیگر ناصری داوودی است که مورد استفاده قرار گرفت. نویسنده در پیشگفتار جلد اول به پیشینه مبارزاتی روحانیون شیعه اشاره می‌کند. سپس به یادآوری فشارهای وارده بر علمای افغانستان در دوره عبدالرحمن خان و مبارزات ایشان در برابر ارتش شوروی می‌پردازد. بعد از آن، شرح حال ۶۴ تن از بزرگان و نامداران تشیع افغانستان ذکر شده است.

علل عقب ماندگی افغانستان پس از جدایی از ایران، موضوعی است که ناصری داوودی در پیشگفتار جلد دوم مورد بررسی قرار می‌دهد. وی سیاست‌های مداخله‌گرایانه استعمار و سرسپردگی حکام سدوزایی و محمدزایی به بیگانگان را از مهم‌ترین عوامل عدم پیشرفت افغانستان می‌داند. شرح حال ۸۷ تن از مشاهیر شیعه افغانستان موضوع اصلی این جلد از کتاب است.

نگارنده در پیشگفتار جلد سوم ضمن اشاره به قدر و منزلت دانش و عالم به یادآوری این نکته می‌پردازد که نام بردن عالمان و دانشمندان تحت عنوان یک کشور، به معنای منحصر کردن آنان نیست بلکه «برای نمایاندن سهم مردم و سرزمین افغانستان در زایش، پرورش و خیزش افراد مذکور و ایجاد روح اعتماد به نفس در جوانان افغانستان جنگ‌زده می‌باشد». سپس ذکری از اکابر و بزرگان افغانستان و سلسله‌های حکومتگر آن تا سربرآوردن

احمدخان ابدالی به میان آمده، آنگاه به سیر انحطاط از این مرحله تا سلطه طالبان اشاره رفته است.

معرفی مشاهیر و شخصیت‌های برجسته شیعه افغانستان کاری ارزنده و درخور ستایش است چرا که قبل از تدوین اثر فوق کسی نسبت به شناساندن ایشان اقدام ننموده است. ناصری داوودی با بررسی زندگی و تتبع در آثار عمده کثیری از رجال شیعه، به نگارش «مشاهیر تشیع در افغانستان» اهتمام ورزیده و با قلم روان و کلام رسای خود توانسته اطلاعات مفیدی در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد اما کار وی خالی از اشکال نیست. به نظر می‌رسد نویسنده برداشت درستی از واژه «مشاهیر» نداشته زیرا درحالی که به شرح حال افرادی پرداخته که شهرت ایشان از حوزه محل سکونتشان به سختی فراتر می‌رود، از معرفی رجال چون سلطانعلی کشتمند (نخست‌وزیر حکومت نجیب‌الله) اکرم یاری (معروف به ستاره شرق) حجت‌الاسلام محمد محقق و مصطفی کاظمی (وزیر کابینه کرزای) دین‌محمدخان چارکنتی و طالب‌خان دره صوفی (از خوانین بزرگ) و شعراپی چون حسین فخری، محمدکاظم کاظمی، حمزه واعظی و ... امتناع ورزیده است. همچنین مجلدات سه گانه کتاب از نظر توالی زمانی سیری منطقی ندارند.

کتاب «صحنه‌های خونین از تاریخ تشیع افغانستان» به قلم حسینعلی یزدانی (حاج کاظم) است که به بررسی تحولات جامعه شیعی و مصائب وارده بر ایشان در بین سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۳۲۰ ق می‌پردازد.

این اثر چون سایر آثار منتشر شده درباره شیعیان افغانستان، تنها به بررسی جامعه هزاره می‌پردازد و از توضیح پیرامون قبایل و طوایف، رؤسا و خوانین، پیشه و عادات، لباس و پوشاک و نسب‌نامه سادات ایشان فروگذاری نمی‌نماید. یزدانی ضمن معرفی مبارزان و جهادگران هزاره به

شرح حال ایشان مبادرت ورزیده، قیام و مقاومت مناطق هزاره جات در برابر سپاهیان دولتی را تشریح می کند. در این کتاب متن تعدادی از اعلان های دولتی و تکفیرنامه های برخی از علمای سنی مذهب بر ضد شیعیان به چاپ رسیده است.

حاج کاظم به غیر از این کتاب، تألیفات دیگری نیز دارد که با کمی بررسی می توان به نقاط ضعف کارهایش پی برد. به طور مثال در تنظیم مطالب، بخش ها و فصول مختلف از متدهای علمی کمتر بهره برده و در طرح مباحث از چهارچوب های نظری پیروی نمی کند. عرق قبیله ای و تعصب ورزی نقطه ضعف دیگر یزدانی است که در قضاوت های او تأثیرگذار بوده است. مثلاً وی در کتاب مورد بحث عنوان می کند که «در زمان عبدالرحمن و امیر حبیب الله سراج الملّه، قریب ۲۰ سال مولویان، مذهب خویش را بر شیعیان تبلیغ کردند اما از آنجا که زور و قدرت در پشت سرشان بود حتی یک نفر شیعه را نتوانستند به مذهب خویش درآورند». در نقد این مطلب ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که گرچه سیاست دولت در وادار کردن شیعیان به تغییر مذهب خویش عموماً نتیجه بخش نبوده اما به مواردی نیز برمی خوریم که بی باهانه و مستضعفان شیعی در اثر فشارهای وارده تاب و تحمل از کف داده به طریق عامه پیوسته اند.

کتاب «تاریخ ملی هزاره» نوشته ل. تیموخانوف از دیگر منابعی است که در این پژوهش از آن استفاده شده است. این اثر که در ۱۲ فصل تنظیم شده توسط نویسنده ای غیر هزاره در تاجیکستان به طبع آرسته گردیده و عزیز طغیان آن را از روسی به فارسی ترجمه کرده است. عدم وابستگی نویسنده به قوم هزاره، نتایج و تحلیل های حاصله را که بر اساس متدهای علمی و اسناد و مدارک متعدد فراهم آمده، اطمینان بخش تر می سازد.

تیمورخانوف در اثر خویش به ذکر پیشینه قوم هزاره، طوایف مختلف آن و تعیین موقعیت جغرافیایی و مساحت هزاره‌جات می‌پردازد. مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قوم هزاره نیز مورد بررسی قرار گرفته و در فصول پایانی کتاب، قیام مردم هزاره در مراحل مختلف تاریخی تشریح و عوامل شکست قیام کنندگان بررسی گردیده است.

کتاب «سیری در هزاره‌جات» پژوهشی جامعه‌شناسانه پیرامون عقاید مذهبی، مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه هزاره می‌باشد که توسط علیدادعلی به رشته تحریر درآمده است. این اثر حاوی اطلاعات مهمی دربارهٔ پرکندگی قوم هزاره، طوایف مختلف آن، نظام قبیله‌ای حاکم بر هزاره‌جات، مراکز فرهنگی، تجزیه و تحلیل زبان هزارگی، اطلاعات، اشعار، ضرب‌المثل‌ها، مراسم مذهبی، آداب و رسوم، هنرها و صنایع دستی، لباس و پوشش، خوراک، مسکن، بازی، سرگرمی و ... می‌باشد. کتاب در پنج بخش تنظیم شده و از منابع مهم شناسایی اقوام هزاره محسوب می‌شود.

اثر پیش رو در تنظیم، ترتیب و توالی حوادث و رویدادها بر کتاب «افغانستان در پنج قرن اخیر» تألیف میر محمد صدیق فرهنگ متکی است. فرهنگ اثر خویش را با بیان پیشینه سرزمینی که بعدها افغانستان نامیده شد آغاز می‌کند. سپس به روند شکل‌گیری افغانستان می‌پردازد و باقی حوادث را تا تشکیل حکومت کمونیستی به صورت سالشماری می‌گیرد. نویسنده تاریخ خود را بر اساس اسناد و مدارک نسبتاً معتبر فراهم آورده و قلم وی در توصیف و تشریح حوادث منصفانه می‌نماید. اثر فرهنگ از نگاه دیگری نیز حائز اهمیت است و آن اینکه مؤلف خود از رجال عصر امانی و از نمایندگان منتخب مردم در مجلس قانون‌گذاری بوده، وقایع مشروطیت را به چشم خود نگریسته است. فرهنگ که از فعالان سیاسی افغانستان محسوب

می‌شود، در تدوین اولین قانون اساسی افغانستان نقش بسزایی ایفا نموده است. بنابراین اثر وی در شناسایی حرکت‌های اصلاحی و فهم تحولات اجتماعی افغانستان معاصر کمک شایانی می‌نماید.

در پایان با تأسی از حدیث «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» لازم می‌دانم تا مراتب حق‌شناسی و سپاس خود را از اساتید محترم جناب آقای دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، دکتر احسان اشراقی، دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد، دکتر اصغر منتظرالقائم، دکتر سید اصغر محمودآبادی و استاد نجیب مایل هروی که با رهنمودهای ارزنده خویش اینجانب را در تهیه و تنظیم پژوهش فوق یاری رساندند، اعلام نمایم.

تعدادی از عکس‌های آخر کتاب را آقای محمدرور رجایی در اختیارم نهاد که از ایشان سپاسگزارم.

حسین عبدلی